

نگاهی به:

فتوت نامه

تألیف میر سیدعلی همدانی

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

فتوت آفتاب اهمیت داشت که خلفای عباسی رسماً از قدرت آن ترسیدند و یکی از آخرین خلفای قدرتمند عباسی به نام امیرالمؤمنین (ع) - (ع) - یک سازمان دواشی فتوت در بغداد پدید آورد. همچنانکه پیشتر نیز در شام «فتوت نبوی» و در مقابل «فتوت علوی» بر ساخته بودند. این سازمان که از نام مطهر یقیناً سوء استفاده کرده بود از جمله کتاب‌های کتب اقصیایان بود. [شیخ و تصوف، کامل مصطفی نبوی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، امیرکبیر ۱۳۵۹، ص ۶۲۳] و گرنه فتوت علوی نیز چیزی فتوت نبوی نیست و نمی تواند باشد. بهر حال رویکرد شیعیانه فتوت از آغاز روشن بوده و رویکرد شیعیانه تصوف از قرن هفتم به بعد اوج گرفت و سیدعلی همدانی یکی از مظاهر عمده پیوند تشیع و تصوف و فتوت ایرانی قلع از هرگونه تعصب است. توجه کنید که مسی گویم تشیع؛ یعنی تمایل و گرایش به خاندان پیغمبر (ص) نه مذاهب شیعی بعینه. پیش از ورود در بحث اصلی یک توضیح درباره کلمه «شاه» که لقب میر سیدعلی همدانی است، ضرور می نماید.

عرفان مکتبی است که در سطوح مختلف عرضه می شود و برای همه طبقات و اقشار فرهنگی حرفی برای گفتن دارد. اجتماع درویشان و دوستان ایشانی و خواندن اشعار و دم گرفتن و سماع کردن ظهوری از عرفان است و بحثهای شبه فلسفی صدرالدین قونوی در بیان کلمات محیی الدین عمری شکل دیگری از آن. تأویل آیات به مذاق صوفیان نوعی دیگر از تفکر عرفانی. عرفان در طول تاریخ برای اصناف شهری و علاقه مندان کم سواد اما پر صداقت عرفان به شکل «فتوت» بروز کرده است. فتوت خود سابقه در جامعه ایران پیش از اسلام و همچنین قرون اولیه اسلامی دارد. آنگاه که ایرانیان با خلافت اموی و عباسی که بر خورد غیر اسلامی با ملتها داشتند می جنگیدند یکی از محل های مبارزه شان همین فتوت بود که ایرانیان مسلمان با استادی به سیره پیغمبر (ص) و علی (ع) و همچنین صحابه بزرگوار مانند سلمان و قنبر، نهاد اجتماعی سالم و پویا و سودمندی پدید آوردند که به همیاری مردمی رنگی الهی و مقدس ببخشند.

چه او را «شاه همدان» می نامند. این لقب در قرن هشتم به رؤسای طریقت که دارای نسب سیادت بوده اند اطلاق می شده است مانند «سید نعمت الله ولی» که لقب شاه نعمت الله داشته، و «سید قاسم انوار» که لقب شاه قاسم انوار داشته، و همچنین است شاه خلیل الله نعمت اللهی. در قرن سوم و چهارم هجری صوفی معروفی داریم به نام شاه شجاع یا شه ا... بنی شجاع کرمانی.

از این گذشته از آغاز قرن سیزدهم، مرشدهای نعمت اللهی و بعداً همه مرشدهای طریقه های متصوفه شیعه ایرانی. در آخر لقب طریقتی خود. کلمه شاه را هم اضافه کرده اند: معصوم علی شاه، نور علی شاه، مظفر علی شاه، مجذوب علی شاه، مستعلی شاه و غیره....

بر رویهم می توان گفت عنوان «شاه» یا «شاه درویش» بر آن دسته از سران تصوف اطلاق می شده که در کنار مقام معنوی و باطنی، قدرت و شوکت ظاهری نیز داشته اند و میر سید علی همدانی دارای چنان نفوذ کلمه و حرمتی بوده که می توانسته است علناً شاهان زمان را پند دهد و برای ایشان نصیحت نامه تحت عنوان ذخیره الملوك بنویسد، و با آنکه شورش نبوده اما به سبب کثرت مریدان، قدرتمندان زمان از او واهمه داشته اند و می ترسیده اند.

سید علی همدانی از جمله مشایخ تصوف قرن هشتم هجری است که هم نسبت سیادت دارد و هم خرقة فتوت او به علی بن ایطالب علیه السلام می رسد یعنی از پیشوایان فتوت علوی بوده است که در اینجا راجع به آن بحث می کنیم.

سید علی همدانی در رساله ده قاعده [فرهنگ ایران زمین شماره بهار ۱۳۳۷] راه های طالبان حق را مجموعاً به سه راه باز می گرداند: اول راه ارباب معاملات که راه عامه مسلمانان است، دوم راه اصحاب مجاهدات و این، راه ابرار است، سیم راه سائران حضرت صمدیت... (ص ۵۳).

و در رساله فتوت [احوال و آثار میر سید علی همدانی باش رساله از وی، دکتر محمد ریاض، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۳۶۴/۱۹۸۵ ص ۳۶۶-۳۴۱] نفوس انسانی را به «مقبولان» و «مردودان» تقسیم می کند، و «مقبولان» را به «ابرار» و

«مقربان» و خود «ابرار» به «زاهدان» و «ارباب فتوت» تقسیم می شوند. «زاهدان» کسانی هستند «که به صفای عقل، خاست و حقارت دنیا را معلوم کردند... و هر ساعتی از ساعات عمر در نوعی از طاعات صرف کردند»، اما «ارباب فتوت» کسانی هستند که خداوند دل های ایشان را مهبط رحمت و رافت کرده و وجود ایشان را سبب راحت و آسایش بندگان خود ساخته» (۳۵۳).

تعبیر دیگر از اهل فتوت «اخی» است. سید گوید:
 «اسم اخی در لغت برادر است... و یکی را که صفت بود به کرم و سخاوت و عفت و امانت و شفقت و حلم و تواضع و تقوی او را «اخی نام نهند» (۳۴۳).

البته همچنانکه محققان تصریح کرده اند کلمه «اخی» به معنی «جوانمرد» و «ختی» احتمالاً ربطی به «اخ» عربی ندارد و اصلاً ترکی است چنانکه به نقل مناقب العارفين افلاکی بزرگان فتوت را در آسیای صغیر و رومیه را نیز «اخی» می نامیده اند. این مرحوم سعید نفیسی «اخی» را مرجحاً مأخوذ از عربی می داند و با اصطلاح «داهش» و «داداش» که او اخیراً لوطی ها و جوانمردان اطلاق می شده است مربوط می نماید [مرحله تصوف، ص ۱۳۳].

به سخن میر سید علی باز گردیم که پس از ذکر کلاه و سراویل که شعار فتوت است تأکید می نماید که خرقة اخی حتماً باید به پیغمبر اسلام و از طریق علی بن ایطالب متصل شود (۳۴۵) و از جمله می گوید:

«اخی باید هیچ سنی از سنتهای رسول صلی الله علیه و سلم فرو نگذارد و بزرگترین سنتی از سنتها حقارت دنیاست» (۳۴۶) و «اخی را باید ظاهراً آمیزگار باشد به خلق، و با همه بندگان حق به شفقت و نصیحت و مودت و احسان زندگی کند و به باطن از همه بریده بود و در سر پیوسته به حق مشغول باشد» (۳۴۸).

میر سید علی از قول «امام اولیاء و سید اتقیاء منبع عین فتوت و معدن جود و مروت امیر المؤمنین علی (ع)»

می آورد که فرمود:

«ارکان فتوت چهار چیز است: عفو کردن با توانائی، و بردباری در وقت خشم، و نیک اندیشی با دشمنی، و ایثار کردن با وجود احتیاج» (۳۴۹).

پس فتوت به «حقوق عباد» برمی گردد و از پیغمبر (ص) روایت است که:

«خلق، همه عیالانِ خدایند و دوست ترین همه نزد حق تعالی کسی است که منفعت به عیال او بیشتر رساند» (۳۴۹).

سید، افراد بشر را به قافله ای مانند می کند که در ریابط دنیا بر سر راه ازل و ابد فرود آمده اند. مسافران قوی تر باید ضعفا را کمک کنند و «به قدر قوت ذات، هرکس در این سفر ممد و معاون یکدیگر باشند» و از قول پیغمبر روایت می آورد که:

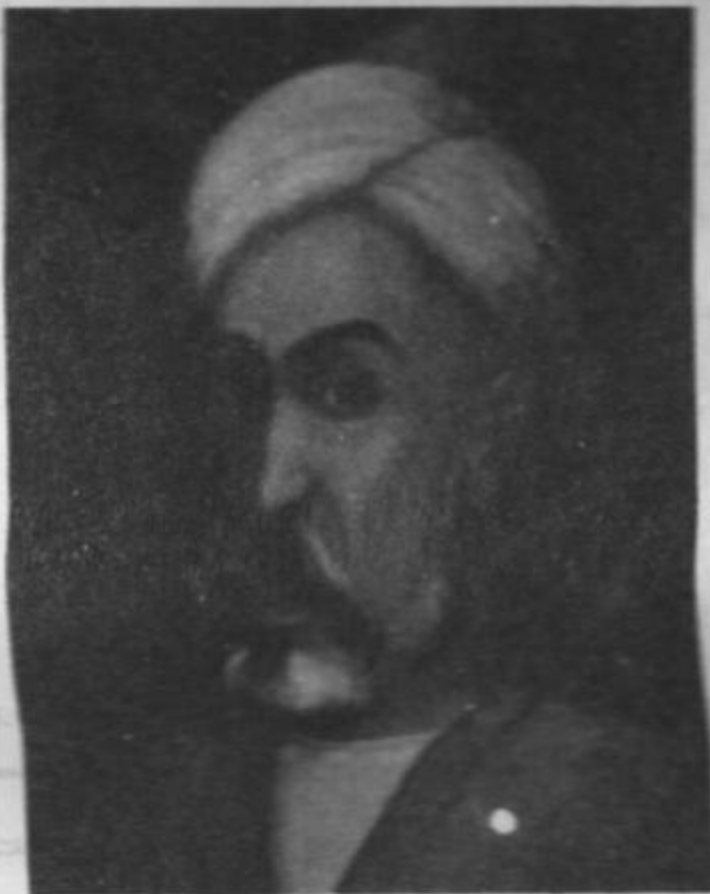
«مومنان همچون یک دیوار عمارتند که هر خشتی از آن، خشت دیگر را استوار می دارد. همچنین آنان که از ایمان بهره ای دارند باید که در دین و دنیا معاون یکدیگر باشند و همه یکدیگر را در کشیدن بار تکلیف و زحمتهای این سفر به حکم *اتعا المؤمنون* اخوه مساوی دانند» (۳۶۰).

تعاون اجتماعی یک اصل عقلی و دینی است و تجوهر جامع علوم انسانی و چهارچوب هر مطالعه انسانی و مطالعات اجتماعی است. فتوت است.

خداوند جمعی را از آلودگی دنیویات ربوده و دیده دل ایشان را با سرمه هدایت روشن کرده و نقوش حقایق را در دل ایشان پر تو افکن ساخته، «پس نفس و مال را در ادای حقوق عبودیت صرف کردند و بر جمیع بندگان آن حضرت رحیم و مهربان گشتند و اهتمام به ادای حقوقی همراهان سفر حقیقی را بر خود واجب شمردند و کسر خدمت و شفقت برادران دینی را بر میان جان بستند... و آن شخص که به این عنایت مخصوص گشت اخی گویند» (۳۶۲).

صفات و خصوصیات اخی چنین است:

«با پیران به حرمت باشد، با جوانان به نصیحت، با طفلان به شفقت، با ضعیفان به رحمت، با درویشان



میر سیدعلی همدانی

به بذل و سخاوت، با علماء به توقیر و حشمت، با ظالمان به عدالت، با فاجران به اهانت، با خلق به احسان و مروت، با حق به تضرع و استکانت، با نفس به جنگ، با خلق به صلح، با هوی به مخالفت، با شیطان به محاربت، بر جفای خلق متحمل، در مقابل اعداء حلیم، در وقت مصائب صابر، در حالت رجاء شاکر، به عیوب نفس خود عارف، از ذکر عیوب خلق ماکت، ابتداء و مصیبت خلق را کاره، به تقدیرات قضای الهی راضی، از بدعت و هوی دور، قدم در نهضت محرومان، بر علم نجات حرص، از اهل غفلت متنفر، بر جماعت مواظب، زبردستان را ناصح، به اندک دنیا قانع، در احوال و احوال آخرت متفکر، از افعال و اقوال خود خائف، از رسوائی قیامت ترسان و به فضل و عنایت دین امیدوار (۳۶۳).

می دانیم که فتوت و جوانمردی نوعی مکتب فعالیت اجتماعی و تجمع صفتی بوده است که به طریق اخلاق و تعاون می گوشیده است تا منافع اقشار شهری را حفظ کند از جمله مراهمای ایشان مبارزه با متمگران و مقاومت در برابر زورمندان بوده است: «با ظالمان به عدالت، با فاجران به اهانت» و می دانیم که شخص سیدعلی همدانی در زمان خود در حدی توان کلمه حق را در مقابل سلطان جائر گفت، و حتی